یورش نظامیان صهیونیست به خانه‌های مردم سوریه در یرموک

خبرگزاری دولتی سوریه گزارش داد نظامیان صهیونیست در منطقه یرموک واقع در غرب شهر درعا، به خانه‌های مردم یورش می‌برند و تفتیش می‌کنند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از خبرگزاری دولتی سوریه (سانا)، نظامیان صهیونیست، یکشنبه، به منطقه حوضه یرموک در غرب شهر درعا در جنوب سوریه نفوذ و خانه‌های شخصی مردم را تفتیش کردند. رژیم اسرائیل پس از پیشروی تروریست‌ها در اواخر سال ۲۰۲۴ که منجر به سقوط دمشق شد، مناطق بیشتری از ارتفاعات جولان را تصرف کردند. تحقیقات اخیر شبکه الجزیره نشان می‌دهد نیروهای صهیونیست راه‌ها و مسیرهای نظامی گسترده‌ای در جنوب سوریه ایجاد کرده‌اند که در نقشه‌های رسمی رژیم ذکر نشده است. به گزارش الجزیره، صهیونیست‌ها مواضع و تأسیسات نظامی متعددی نیز در این منطقه ایجاد کرده‌اند و ردپای آنها در مناطقی فراتر از جولان مشاهده می‌شود. گفتنی است، منطقه حوضه یرموک به‌دلیل همسایگی با بلندی‌های جولان و نیز نزدیکی به مرز اردن، از حساسیت بسیار بالایی دارد.

کیهان

بحران دارو در یمن بر اثر محاصره این کشور از سوی آمریکا

مقام‌های یمنی با اشاره به پیامدهای محاصره از سوی آمریکا و آل‌سعود و تعطیلی فرودگاه صنعا از تأخیر طولانی‌مدت در رسیدن داروهای حساس، فاسدشدن بخشی از محموله‌ها و تأثیر آن بر بیماران خبر دادند.

«انیس الاصبحی»، سخنگوی وزارت بهداشت یمن، گفت تعطیلی فرودگاه صنعاء جنایت جنگی و نقض آشکار معاهدات و قوانین بین‌المللی است. او به المسیره گفت: «اقدامات تحمیلی کشورهای متجاوز و تعطیلی فرودگاه صنعاء باعث از بین رفتن بیش از ۳۰درصد داروهای حیاتی، معادل ۱۰۰ تن در سال ۲۰۲۴ میلادی شده است؛ این امر به‌دلیل شرایط دشوار و پیچیده حمل‌ونقل زمینی رخ داده است. بسته‌شدن فرودگاه صنعاء موجب قطع زنجیره تأمین داروهایی شده که نیازمند شرایط حمل‌ونقل ویژه و یخچال‌دار هستند و این موضوع باعث افزایش نرخ مرگ‌ومیر مبتلایان به بیماری‌های مزمن شده است؛ محاصره باعث کمبود بیش از ۱۲ نوع داروی مورد نیاز بیماران سرطانی شده که این مسئله موجب کاهش میزان بهبودی و افزایش مرگ‌ومیر شده است.»

دوشنبه اول تیر ۱۴۰۵ □ ۷ محرم ۱۴۴۸ □ ۲۲ ژوئن ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۱۷۰ صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۶، اذان مغرب: ۱۹/۴۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۳، اذان صبح(فردا): ۳/۰۲، طلوع آفتاب(فردا): ۴/۴۹

نگاه

اوکیناوا؛ پایان یک نبرد و عادی‌سازی یک فاجعه

امین‌الاسلام تهرانی

۲۲ ژوئن ۱۹۴۵ (۱ تیر ۱۳۲۴)، نبرد اوکیناوا به پایان رسید؛ نبردی که در روایت رسمی آمریکایی، «پیروزی» نام گرفت، اما در حافظه بشر باید آن را نام دیگری داد: «کارخانه مرگ». اوکیناوا فقط آخرین نبرد بزرگ جنگ در اقیانوس آرام نبود بلکه یک آزمایشگاه بود برای پاسخ به این پرسش هولناک که یک قدرت نظامی تا کجا می‌تواند ویرانی را «ضرورت» بنامد. وقتی از پایان اوکیناوا حرف می‌زنیم، در واقع از لحظه‌ای حرف می‌زنیم که جنگ، بیش از هر زمان دیگری، از میدان نبردهای پیشین با پروپاگاندای خاص آنها فاصله گرفت و به سمت مشروع‌سازی نابودی جمعی غیرنظامیان رفت.

در اوکیناوا، آمریکا با ژاپن جنگید، اما هزینه اصلی را فقط ارتش ژاپن نپرداخت. هزاران غیرنظامی اوکیناوایی، در جزیره‌ای که میان آتش توپخانه، بمباران، گرسنگی، کوچ اجباری و تبلیغات جنگی له شد، قربانی شدند. همین‌جاست که باید مکث کرد: تاریخ‌نگاری پیروزمندان معمولاً نقشه‌ها، فرماندهان و پیشروی‌ها را با دقت ثبت می‌کند، اما صدای مردمی را که جان دادند، زیر آوار ماندند یا میان دو ماشین جنگی بی‌پناه شدند، به حاشیه می‌راند. اوکیناوا پیش از آن‌که یک «فتح نظامی» باشد، یک فروپاشی انسانی بود.

آنچه اوکیناوا را از بسیاری نبردهای دیگر متمایز می‌کند، فقط وسعت خونریزی نیست، بلکه جایگاهی است که این نبرد در ذهن سیاست‌گذاران آمریکایی پیدا کرد. اوکیناوا برای واشنگتن صرفاً یک جزیره استراتژیک نبود؛ به صحنه‌ای بدل شد که در آن می‌شد آینده جنگ با ژاپن را محاسبه کرد. فرماندهان آمریکایی، با دیدن مقاومت سرسختانه ژاپن و تلفات سنگین نبرد، این تصویر را ساختند که اگر جنگ به خاک اصلی ژاپن کشیده شود، بهای آن سرسام‌آور خواهد بود. اینجا اوکیناوا دیگر فقط یک میدان جنگ نبود و به مقدمه‌ای سیاسی برای تصمیمی بزرگ‌تر تبدیل شد.

اما درست در همین نقطه است که باید از روایت رایج آمریکایی فاصله گرفت. روایت رسمی سال‌ها چنین القا کرده است که اوکیناوا «ثابت کرد» تنها راه پایان دادن به جنگ، بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی بود. این روایت، اگرچه ساده و کارآمد برای آمریکایی‌ها است، اما بیش از آن‌که توضیحی تاریخی باشد، یک سازوکار تبرئه است. اوکیناوا بی‌تردید نشان داد جنگ اقیانوس آرام تا چه حد بی‌رحمانه شده؛ اما از این واقعیت تا نتیجه‌گیری «پس بمب اتمی ناگزیر بود» فاصله‌ای عظیم وجود دارد؛ فاصله‌ای که در آن، سیاست، نمایش قدرت و منطق امپراتوری پنهان شده است.

مشکل از جایی آغاز می‌شود که تلفات سربازان آمریکایی، به تنها واحد اخلاقی سنجش جنگ تبدیل می‌شود و جان مردم ژاپن، اوکیناوا و شرق آسیا به متغیری فرعی فروکاسته می‌شود. در این نگاه، اگر بمب اتمی توانسته باشد جان بخشی از نیروهای آمریکایی را در یک تهاجم احتمالی حفظ کند، پس گویی بحث تمام است. اما تاریخ را نمی‌توان با چنین ماشینِ حسابی خلاصه کرد. اگر قرار باشد امنیت یک ارتش، مجوز سوزاندن یک شهر و قتل‌عام مردم بی‌دفاع باشد، دیگر نه از اخلاق جنگ چیزی باقی می‌ماند و نه از مفهوم انسان. مسئله این نیست که ژاپنِ نظامی‌گرا بی‌گناه بود، بلکه مسئله بر سر این است که جنایت یک دولت، مجوز نابودی دسته‌جمعی مردمش نمی‌شود.

اوکیناوا از این نظر اهمیت دارد که چهره واقعیِ جنگ مدرن را عریان کرد: وقتی پیروزی به هدف مطلق بدل می‌شود، مرزِ میان «شکست دادن دشمن» و «درهم‌شکستن جامعه دشمن» از میان می‌رود و هر کاری مجاز است، فقط لازم است بعدها این جنایات را سفیدشویی کرد! از همین منظر، اوکیناوا را باید پلی میان جنگ متعارف و جنگ اتمی دانست. آمریکا در اوکیناوا آموخت که می‌تواند با اتکا به برتری مطلق آتش، جزیره‌ای را به ویرانه بدل کند و در عین حال، این ویرانی را با زبان «ضرورت نظامی» توضیح دهد. چند هفته بعد، همین منطق در مقیاسی به‌مراتب دهشتناک‌تر بر سر هیروشیما و ناگاساکی فرود آمد.

نکته کمتر گفته‌شده این است که بمباران اتمی فقط تصمیمی نظامی نبود و تصمیمی سیاسی هم بود. آمریکا در تابستان ۱۹۴۵ فقط به دنبال پایان دادن به جنگ با ژاپن نبود، بلکه می‌خواست شکل پایان جنگ را هم خودش تعیین کند تا خود را به‌عنوان «اَبَر قدرت» آتی جهان تثبیت کند. بمب اتمی نه‌فقط علیه ژاپن، که برای نظم پساجنگ نیز به کار رفت: اعلام این‌که قدرت تازه جهان چه کسی است و تا کجا می‌تواند پیش برود. به این معنا، هیروشیما و ناگاساکی صرفاً دو هدف نظامی نبودند، بلکه صحنه نمایش تولد جهانی زشت بودند که در آن، تکنولوژی کشتار به زبان دیپلماسی تبدیل شد.

اگر اوکیناوا را از زاویه مردم نگاه کنیم، نه از زاویه ستادهای جنگ، پرسش‌ها عوض می‌شود. دیگر سؤال اصلی این نیست که «آیا آمریکا پیروز شد؟»؛ بلکه این است که چگونه رنج یک جزیره، به استدلالی برای سوزاندن دو شهر بدل شد. چگونه تجربه مرگ در اوکیناوا، به‌جای آن‌که هشداری علیه گسترش خشونت باشد، به سوختِ اخلاقی برای شدیدترین شکل خشونت قرن بیستم تبدیل شد؟! این همان نقطه‌ای است که تاریخ رسمی دوست دارد از آن عبور کند: لحظه‌ای که فاجعه، به‌جای آن‌که بازدارنده باشد، به مجوز فاجعه‌ای بزرگ‌تر بدل می‌شود.

امروز، وقتی از پایان نبرد اوکیناوا یاد می‌کنیم، خطر آن است که دوباره در دام همان زبان آشنا بیفتیم: «نبردی خونین که راه را برای پایان جنگ هموار کرد.» این جمله، هرچند از نظر زمانی غلط نیست، از نظر اخلاقی ناقص است. اوکیناوا راه را فقط برای پایان جنگ هموار نکرد؛ راه را برای عادی‌سازی این تصور هموار کرد که می‌توان برای پایان دادن به یک کابوس، کابوسی بزرگ‌تر آفرید. همین منطق است که باید بی‌پرده رد شود. پایان جنگ، به خودی خود، هر وسیله‌ای را مشروع نمی‌کند؛ و اگر چنین کند، آنچه باقی می‌ماند صلح نیست، بلکه پیروزیِ خشونت بر حافظه است.

اوکیناوا را باید نه‌فقط به‌عنوان پایان یک نبرد، بلکه به‌عنوان آینه‌ای برای فهم قرن بیستم خواند: قرنی که در آن قدرت‌های بزرگ، مرگ را با واژگان ضرورت، امنیت و نجات، بسته‌بندی و سفیدشویی کردند. نگاه تازه به اوکیناوا یعنی مقاومت در برابر همین بسته‌بندی و سفیدشویی؛ یعنی بازگرداندن انسان‌ها به مرکز روایت. در چنین نگاهی، ۲۲ ژوئن ۱۹۴۵ فقط تاریخ پایان یک عملیات نیست، بلکه تاریخی است که باید از خود بپرسیم چگونه جهان توانست از ویرانی یک جزیره عبور کند و چند هفته بعد، سوختن دو شهر را به نام «پایان جنگ» بپذیرد؟! شاید وظیفه یادآوری همین باشد: این‌که اجازه ندهیم واژه «پیروزی»، خاکستر انسان‌ها را بپوشاند.

ادامه واکنش‌ها به پیروزی تاریخی ایران

فوکویاما: ترامپ تسلیم شد

«فرانسیس فوکویاما» اندیشمند برجسته آمریکایی با انتقاد شدید از تفاهم‌نامه امضاءشده از سوی ترامپ نوشته است ترامپ کاملاً مقابل ایران تسلیم شد.

واکنش‌ها به امضای تفاهم‌نامه بین ایران و آمریکا همچنان ادامه دارد. واکنش غالب کارشناسان، اندیشکده‌ها و رسانه‌ها در غرب این بوده است که ترامپ در جنگ شکست خورد و در تفاهم‌نامه امضاءشده نیز تحقیر شد و نتوانست خواسته‌های خود را به کرسی بنشاند، بسیاری از کارشناسان در اروپا و آمریکا از قبیل جان مرشایمر، استفان والت، جفری ساکس، تاکر کارلسون و... بر این باور هستند که شروع جنگ از سوی ترامپ و ادامه آن اشتباه بود. آنها تفاهم‌نامه کنونی را نیز بهترین دلیل برای شکست ترامپ می‌دانند. در ادامه این موضع‌گیری‌ها «فرانسیس فوکویاما»، فیلسوف و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در تحلیلی یادداشت تفاهم دونالد ترامپ، با ایران برای پایان دادن به جنگ را «تسلیم کامل آمریکا در برابر ایران» دانسته و گفت که این سند نشان می‌دهد ترامپ با ناتوانی از تحقق اهدافی که جنگ غیرقانونی علیه ایران را توجیه کرده بود، صرفاً ناچار به عقب‌نشینی و بازگشت به وضعیت پیش از جنگ شده است.

هنر بی‌توافقی!

وی در یادداشتی با عنوان «هنرِ بی‌توافقی» در نشریه «پرسوئیشن» آورده است: تفاهم‌نامه امضاءشده اساساً ساعت را به ماه فوریه(اسفند) و پیش از آغاز جنگ تحمیلی سوم علیه ایران بازگرداند؛ زمانی که تنگه هرمز باز بود و آمریکا و اسرائیل هنوز بمباران ایران را آغاز نکرده بودند.به گفته او، این تفاهم‌نامه صرفاً مشکلی را حل کرد که خود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با شروع جنگ غیرقانونی علیه ایران آغاز کرده بودند. فوکویاما در این یادداشت می‌افزاید: این تفاهم‌نامه اهدافی را که ترامپ آغاز این جنگ را با آن توجیه کرد به مذاکرات آینده موکول می‌کند؛ هیچ تغییر رژیم یا «تسلیم بی‌قید و شرطی» رخ نداده است، تعهدی برای تحویل ذخایر اورانیوم غنی‌شده یا توقف غنی‌سازی، پایان حمایت از متحدان منطقه‌ای ایران مانند حوثی‌ها (انصارالله یمن) و متوقف کردن سرکوب معترضان انجام نگرفته است.

در ادامه این مطلب آمده است: تمام مسائل اختلاف‌برانگیز به مذاکرات آتی در طول آتش‌بس ۶۰ روزه موکول شده است، در حالی که بعید به‌نظر می‌رسد ایران در این مدت کوتاه در مورد مسائلی که نمایانگر هویت اصلی آن است، تغییری ایجاد کند. به گفته وی ترامپ تهدید کرده که در صورت دست نیافتن به توافقی نهائی، جنگ را از سر گرفته و احتمالاً آمریکا را با دریافت ۲۰درصد از درآمدهای منطقه به آنچه «نگهبان خاورمیانه» خوانده، تبدیل کند؛ تهدیدی که هم برای کشورهای منطقه و هم برای افکار عمومی آمریکا که مایلند هرچه زودتر کار آمریکا در این منطقه تمام شود، مضحک و غیرقابل‌قبول است.

به گزارش ایسنا فوکویاما با اشاره به انتقادهای مکرر ترامپ از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ که در دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا انجام شد و مقایسه آن با توافقی که با ایران انجام شد، بیان کرد: توافق ترامپ به مراتب ضعیف‌تر از توافق سال ۲۰۱۵ اوباما است که غنی‌سازی ایران را به ۳.۶۷ درصد محدود و نظارت بازرسان خارجی را تضمین می‌کرد و ایران تا زمان خروج ترامپ از این توافق در سال ۲۰۱۸ به آن پایبند بود. این نظریه‌پرداز مدعی شد که تفاهم‌نامه ترامپ هیچ محدودیتی بر توان هسته‌ای ایران، نیروهای نیابتی و اعمال تحریم‌ها در صورت کوتاه نیامدن ایران اعمال نمی‌کند و به‌طور کلی، دستاوردی بسیار کمتر از توافقی دارد که خود ترامپ پیش‌تر به‌شدت آن را محکوم کرده بود. فوکویاما در این یادداشت مطرح کرد: واضح است که ترامپ تحت فشار داخلی ناشی از افزایش قیمت نفت و تورم بر اثر وضعیت تنگه هرمز ناچار شده است که این آبراه را به هر قیمتی بازگشایی کند و با توجه به بی‌میلی او به اعزام نیروی زمینی به ایران، چاره‌ای جز عقب‌نشینی و پذیرفتن بازگشت به وضعیت پیش از ۲۸ فوریه (زمان آغاز حملات غیرقانونی علیه ایران) نداشته است. وی ادامه داد: با وجود این‌که بازگشایی تنگه هرمز به نفع جهان است و شاید پایگاه حامیان سرسخت ترامپ در جنبش «ماگا» این را یک پیروزی تلقی کنند اما دیگران به‌خوبی درک می‌کنند که قدرتمندترین کشور جهان از سوی رئیس‌جمهوری بی‌خاصیت و نادان اداره می‌شود که برای منافع شخصی خود هزینه‌های گزافی را به دیگر کشورها و حتی به مردم کشورش تحمیل می‌کند.

بزرگ‌ترین اشتباه ترامپ

نشریه آمریکایی پولیتیکو هم جنگ با ایران را بزرگ‌ترین اشتباه ترامپ در سیاست‌خارجی وی دانسته و نوشته است: دونالد ترامپ که یک دهه پیش با شعارهای ملی‌گرایانه و تأکید بر حاکمیت آمریکا به صحنه سیاست قدم گذاشت، حالا در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود، ظاهراً ماهیت ملی‌گرایی را در دیگر کشورها فراموش کرده است. پولیتیکو می‌نویسد: شاید تلخ‌ترین و پرهزینه‌ترین اشتباه ترامپ در عرصه بین‌الملل، محاسبه غلط او درباره ایران بود. این تصور که با ترور رهبر ایران و بمباران گسترده، می‌توان کشور را به زانو درآورد و یک دولت دست‌نشانده بر سر کار آورد، به یک بن‌بست چندماهه انجامید که قیمت انرژی را به‌شدت افزایش داد و اقتصاد جهانی را با رکود مواجه کرد. تحلیلگر پولیتیکو تأکید می‌کند که هیچ رهبر ملی‌گرایی نباید از مقاومت مردم ایران در برابر بمباران شگفت‌زده شود؛ چراکه ژنرال‌ها و روحانیون ایرانی، ماه‌ها تحمل حملات هوائی را به تسلیم‌شدن ترجیح داده‌اند. به نوشته این گزارش زورگویی‌های ترامپ تنها در کشورهای ضعیف و وابسته مانند آرژانتین، هندوراس و ونزوئلا تا حدی کارساز بوده است. پولیتیکو در پایان تحلیل خود نوشته است یکی از مهم‌ترین درس‌های دوره دوم ترامپ این است که احترام به حاکمیت ملی و میهن‌پرستی سایر کشورها، نه یک اصل اخلاقی، بلکه یک ضرورت راهبردی است. رهبرانی که این اصل را نادیده می‌گیرند، نه‌تنها به اهداف خود نمی‌رسند، بلکه هزینه‌های سنگین اقتصادی و سیاسی را نیز متحمل می‌شوند. در جهانی که هر روز پیچیده‌تر می‌شود، درک مرزهای ملی‌گرایی، بیش از هر زمان دیگری حیاتی است.

اقتصاد، نقطه ضعف ترامپ

روزنامه اقتصادی «بیزنس‌تایمز» هم با اشاره به اذعان رئیس‌جمهوری آمریکا درباره چشم‌انداز فروپاشی اقتصادی جهان به‌عنوان دلیل اصلی توافق صلح موقت با ایران، این اعتراف را نشان‌دهنده نقطه ضعف دولت آمریکا در پیگیری مذاکرات با تهران ارزیابی کرد. به گزارش ایرنا، بیزنس‌تایمز در گزارش خود می‌افزاید: یادداشت تفاهمی که ترامپ امضا کرد تنگه هرمز را بار دیگر باز کرد و زمینه را برای لغو تحریم فروش نفت ایران در بازارهای بین‌المللی فراهم آورد؛ تاثیر این امر فوری بود: قیمت نفت کاهش و بازار سهام آمریکا افزایش یافت و ترامپ به تازگی این موضوع را در اجلاس گروه ۷ در فرانسه یادآوری کرد. این رسانه سنگاپوری مدعی شد آگاهی از این که ترامپ تمایلی برای از سرگیری کارزار نظامی و از این‌رو ایجاد آشوب اقتصادی تازه ندارد، فشارها بر ایران را برای پایان سریع مذاکرات کاهش می‌دهد. این روزنامه همچنین پیش‌بینی کرد: فشار بر آمریکا فقط بیشتر خواهد شد. درگیری بیشتر می‌تواند عمیق‌ترین رکود جهانی را در ۴۰ سال رقم بزند. در آمریکا جنگ ایران عمیقاً غیرمحبوب بوده به‌طوری که براساس نتایج نظرسنجی مریلند ۵۶ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند که این جنگ بر منافع آمریکا تاثیر منفی بیشتری داشته است.

فاجعه‌ای برای سیاست‌خارجی آمریکا

«جان آزوف» سناتور ایالت جورجیا هم با انتقاد شدید از تفاهم‌نامه امضاءشده گفت: جنگ ایران فاجعه‌ای برای سیاست‌خارجی، اقتصاد و امنیت ملی آمریکا است. به یاد دارید که در روز اول این جنگ، دونالد ترامپ به ما اطمینان داد که اوضاع جلوتر از برنامه پیش می‌رود. سپس دروغ گفت و دروغ گفت و دروغ گفت و روزانه و هفتگی برای هفته‌ها پیروزی را اعلام کرد پیروزی همیشه یا قریب‌الوقوع بود یا در آستانه تحقق یا از قبل به دست آمده بود. و اکنون او به‌دلیل شکست سیاست‌خارجی‌اش در خاورمیانه تحقیر شده است. به گفته وی این جنگ آمریکا را ناامن‌تر کرده و ده‌ها میلیارد دلار برای آمریکایی‌ها هزینه داشته است. این جنگ جایگاه ما را در جهان کاهش داده و سال‌ها طول می‌کشد تا از این شکست سیاست‌خارجی بازسازی شویم.

آتش‌بس شکننده در لبنان / لبنانی‌ها: از وفاداری ایران سپاسگزاریم

سرویس خارجی-

همزمان با این‌که شبکه المنار از بازگشت موقت آرامش به نبطیه واقع در جنوب لبنان با فشارهای ایران خبر داد، مردم این کشور با نصب تصاویری از رهبر انقلاب در جاده اصلی منتهی به فرودگاه بیروت، از وفاداری و حمایت ایران و تأکید آن بر لزوم برقراری آتش‌بس در لبنان، قدردانی کردند.

در ادامه تلاش‌های کشورمان برای برقراری ثبات در منطقه، تهران با پایداری و عزم راسخ، بند مربوط به «آتش‌بس در همه جبهه‌ها» را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی در تفاهم‌نامه‌های خود گنجاند و با پیگیری‌های مستمر، کوشید رژیم همواره بدعهد را ملزم به پذیرش و اجرای این تعهد کند. گرچه سابقه رژیم اشغالگر نشان‌دهنده بی‌توجهی مکرر به تعهدات و توافقات بین‌المللی است، اما ایران با تکیه بر اصول سیاست‌خارجی خود و حمایت قاطع از محور مقاومت، همچنان بر اجرای دقیق و کامل این بند پافشاری می‌کند و از هیچ کوششی برای تحمیل آتش‌بس پایدار و جلوگیری از ادامه تجاوزات فروگذار نمی‌نماید. در این میان، حزب‌الله لبنان نیز با هوشیاری کامل در میدان، ضمن حفظ آمادگی دفاعی، پاسخ‌های سنگین و دقیق به هرگونه تجاوز رژیم ترتیب داده و با عملیات‌های هدفمند، هزینه‌های سنگینی را بر اشغالگران تحمیل کرده است. این مسئله واقعیتی را نشان می‌دهد که جبهه مقاومت نه‌تنها در برابر فشارها تسلیم نمی‌شود، بلکه با ایستادگی هوشمندانه، معادلات میدانی را به نفع خود تغییر می‌دهد. باری، آنچه که روشن است و هم ایرانی‌ها و هم حزب‌الله به‌خوبی به آن واقف هستند این است که رژیم اصلاً قابل اعتماد نیست.

آرامش شکننده

به دنبال هشدارهای ایران، دیروز خبرنگار شبکه المنار گزارش داد که در حال حاضر آرامش شکننده‌ای در منطقه نبطیه واقع در جنوب لبنان حاکم است. براساس این گزارش مسئولان نبطیه از شهروندان لبنانی خواستند برای بازگشت به منازل و روستاهای خود تأمل کنند تا اقدامات میدانی و پاکسازی‌ها انجام شود. در مقابل نیز تعدادی از ساکنان روستاهای جنوبی لبنان همزمان با آغاز فعالیت تیم‌های سازمان دفاع مدنی برای پیدا کردن مفقودین به خانه‌های خود بازگشتند. همچنین گزارش شده که عملیات آواربرداری و بازگشایی مسیرهای آسیب‌دیده آغاز شده است. لازم به ذکر است که با وجود انتشار گزارش‌هایی درخصوص توافق بر سر آتش‌بس در لبنان، رژیم صهیونیستی طی روزهای گذشته به‌شدت مناطق مختلف جنوب این کشور را بمباران کرد.

«تشکر از ایرانِ وفادار»

همزمان، لبنانی‌ها با نصب تصاویری از رهبر شهید انقلاب و همچنین رهبر کنونی کشورمان و عبارت: «از ایران وفادار سپاسگزاریم» قدردانی خود را، از تأکید ایران بر لزوم آتش‌بس در لبنان، ابراز کردند. این تصاویر در جاده اصلی بیروت به فرودگاه که مسیر پر رفت و آمدی است، نصب شده است. علی عمار، عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان، تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران تعهد خود را به حمایت از مقاومت ثابت کرده و همواره در کنار آن ایستاده است. ایران به وعده‌ها و تعهدات خود پایبند بوده است. گفتنی است، متن یادداشت تفاهم خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا- رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، در اولین دقایق بامداد پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ توسط رؤسای‌جمهوری ایران و آمریکا امضاء شد.

تلفات سنگین رژیم

علی‌رغم کشتار وحشتناکی که در روزهای گذشته رژیم در جنوب، به‌ویژه نبطیه، به راه انداخته بود، خود نیز گرفتار پاسخ‌های سنگین حزب‌الله شد و تلفات سنگینی داد. منابع رسانه‌ای صهیونیستی اعلام کردند که از پنجشنبه گذشته در درگیری‌های جنوب لبنان دست‌کم ۶ نظامی صهیونیست از جمله یک افسر ارشد به هلاکت رسیده و ۲۰ تن دیگر مجروح شده‌اند. همچنین ارتش رژیم، در ادامه تلفات و خسارات سنگین خود در ارتفاعات استراتژیک علی‌الطاهر در جنوب لبنان، دیروز، اذعان کرد که ۲ نظامی دیگر این رژیم در این منطقه طی ضربات حزب‌الله به هلاکت رسیده‌اند. العالم به نقل از روزنامه عبری‌زبان هاآرتص گزارش داد که از زمان آغاز درگیری‌های نظامی میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله در دوم مارس گذشته، دست‌کم ۳۶ نظامی اسرائیلی در جبهه لبنان کشته شده‌اند.

اجساد باقی‌مانده صهیونیست‌ها

به گزارش بامداد یکشنبه ایرنا از شبکه الاقصی، رژیم صهیونیستی تاکنون نتوانسته است اجساد برخی از نظامیان خود را از ارتفاعات علی‌الطاهر در منطقه نبطیه در جنوب لبنان خارج کند. براساس اعلام رسانه‌های رژیم صهیونیستی، ارتش این رژیم دو ساعت پیش توانست یک جسد را از جنوب لبنان به سرزمین‌های اشغالی فلسطین بازگرداند. این رسانه‌ها اعلام کردند که رژیم صهیونیستی از کمیته نظارت بر توافق آتش‌بس موسوم به کمیته مکانیزم خواسته است تا برای کمک به خارج کردن اجساد نظامیان کشته شده در خاک لبنان وتانک‌های منهدم شده، با حزب‌الله تماس بگیرد. به گزارش ایرنا، رسانه‌های رژیم پیش‌تر در گزارش‌هایی اعتراف کردند که ارتش در دسترسی و بازگرداندن اجساد نظامیان کشته شده در خاک لبنان ناتوان است.

تکذیب ادعای رژیم صهیونیستی

خبر دیگر آن‌که روابط رسانه‌ای حزب‌الله به الجزیره گفت ادعاهای رژیم اسرائیل مبنی‌بر محاصره رزمندگان این جنبش در ارتفاعات علی‌الطاهر کاملاً بی‌اساس است. به گزارش مهر، این نهاد حزب‌الله تأکید کرد که این ادعاها به دنبال شکست اسرائیل در پیشروی به سوی منطقه علی‌الطاهر در جنوب لبنان و برای بالا بردن روحیه نیروهایش مطرح می‌شود. در چند روز گذشته عمده درگیری‌ها، چنان‌که در سطور پیشین هم اشاره شد، بر سر همین ارتفاعات بوده است.

از لبنان عقب‌نشینی نمی‌کنیم!

علی‌رغم تمام مشکلات رژیم که ذکر شد، همچنان این رژیم تأکید دارد که قصد عقب‌نشینی ندارد. به رغم تعهد آمریکا در تفاهم‌نامه با ایران درباره پایان فوری جنگ در لبنان، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اسرائیل کاتز می‌گوید که این رژیم از منطقه امنیتی لبنان عقب‌نشینی نمی‌کند. او گفت که هیچ محدودیتی برای سربازان ارتش اسرائیل در لبنان برای اقدام جهت رفع تهدیدها وجود نداشته و ندارد. پیش‌تر هم یدیعوت‌آحارونوت، به نقل از منابع نظامی، نوشته بود که ارتش اسرائیل دستورالعمل آتش‌بس دریافت کرده است و نیروهایش از اطراف منطقه علی‌الطاهر عقب‌نشینی نخواهند کرد.

اروپا جنگ تعرفه‌ای با چین را کلید زد

یک رسانه آلمانی اعلام کرد اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است تعرفه‌های جدیدی را علیه کالاهای چین وضع کند.

در حالی که اروپا و آمریکا در حال تجربه روابط سیاسی، تجاری و امنیتی بسیار پرتنشی هستند گزارش‌ها نشان می‌دهد که روابط تجاری اروپا با چین نیز دچار چالش شده است. در همین رابطه رسانه آلمانی «هندلزبلات» گزارش داد اتحادیه اروپا در حال آماده‌سازی جزئیات تعرفه‌های وارداتی برای خودروهای هیبریدی شارژی چین است. روزنامه «هندلزبلات» به نقل از مقامات ارشد اتحادیه اروپا و منابع صنعت خودرو گزارش داد که مقدمات لازم برای اعمال این تعرفه‌ها فراهم شده و کمیسیون اروپا آماده است پس از جلب موافقت اکثریت کشورهای عضو، آنها را اجرایی کند. براساس این گزارش، تعرفه‌های جدید شرکت‌های خودروسازی چینی از جمله «بی‌وای‌دی»، «چری» و «سایک» را هدف قرار خواهد داد. به نوشته این رسانه آلمانی، رهبران اتحادیه اروپا پنجشنبه گذشته نیز درباره اتخاذ اقدامات سختگیرانه‌تر برای مهار کسری تجاری رو به افزایش این بلوک با چین و کاهش وابستگی به دومین اقتصاد بزرگ جهان در زمینه عناصر نادر خاکی و دیگر مواد اولیه راهبردی گفت‌وگو کردند. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۲۴ نیز بر خودروهای تمام‌برقی وارداتی ساخت چین، تعرفه اعمال کرده است. براساس این گزارش، کمیسیون اتحادیه اروپا مدعی است تحقیقاتی که سال گذشته آغاز کرد نشان می‌دهد که صنعت خودروهای برقی چین «از یارانه‌های ناعادلانه» سود می‌برد و باعث ایجاد «آسیب اقتصادی» برای تولیدکنندگان خودروهای الکتریکی در اتحادیه اروپا می‌شود.

تنش بین آلمان و آمریکا

همزمان گزارش‌ها نشان می‌دهد اختلاف بر سر قیمت‌گذاری دارو، آمریکا و آلمان را هم در آستانه رویارویی تجاری قرار داده است. به گزارش تسنیم به نقل از شبکه سی‌ان‌بی‌سی، آمریکا تحقیقات تجاری درباره سیاست‌های دارویی آلمان را آغاز کرده و این کشور را به آنچه «پرداخت ناکافی و مستمر» برای داروها توصیف می‌کند، متهم کرده است. این تحقیقات در حالی شروع شده که آلمان در تلاش است هزینه‌های فزاینده نظام سلامت، از جمله مخارج دارویی، را مهار کند. «جیمیسون گریر»، نماینده تجاری آمریکا، در بیانیه‌ای در این زمینه گفت: رئیس‌جمهور ترامپ به‌روشنی اعلام کرده است که بیماران آمریکایی نباید سهمی نامتناسب از هزینه‌های جهانی تحقیق و توسعه دارو را بر دوش بکشند. وی افزود: من به‌ویژه نگران گزارش‌هایی هستم که نشان می‌دهد آلمان در حال تسریع روند تصویب قانونی است که هزینه‌کرد این کشور برای داروهای نوآورانه را بیش از پیش کاهش خواهد داد. براساس این گزارش آلمان در ماه آوریل (فروردین) پیشنهاد اصلاحات گسترده در نظام بیمه درمانی خود را مطرح کرد تا فشار بر منابع مالی دولت را کاهش دهد؛ اقدامی که پس از افزایش قابل‌توجه هزینه‌های درمانی در سال‌های اخیر صورت گرفت. دولت آلمان مجموعه‌ای از اقدامات را برای صرفه‌جویی در هزینه‌کرد خود معرفی کرد که از جمله آنها افزایش تخفیف‌های ارائه‌شده از سوی صنعت داروسازی به صندوق‌های بیمه بود. این اقدام باعث شد شماری از مدیران شرکت‌های داروسازی هشدار دهند که ممکن است عرضه داروهای جدید در آلمان را متوقف کرده یا به تعویق بیندازند. تحقیقات آمریکا براساس بند ۳۰۱ قانون تجارت این کشور آغاز شده است؛ بندی که به واشنگتن اجازه می‌دهد علیه کشورهایی که به‌زعم آمریکا از رویه‌های ناعادلانه و زیان‌بار برای تجارت این کشور استفاده می‌کنند، به‌صورت یکجانبه اقدام کند.

گفتنی است، در حالی که تنش‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ جهانی به نقطه‌ای بحرانی رسیده، نقش آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تشدیدکننده این بحران، بیش از پیش آشکار شده است. واشنگتن با اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه و سیاست‌های حفاظت‌گرایانه افراطی، نه‌تنها زنجیره‌های تأمین جهانی را مختل کرده، بلکه متحدان اروپایی خود را نیز در موقعیتی دشوار قرار داده است. این استراتژی، که ریشه در تلاش برای حفظ هژمونی اقتصادی و فناوری دارد، منجر به تجزیه بازارهای بین‌المللی و افزایش هزینه‌های مبادلاتی برای همه طرف‌ها شده و در نهایت، ثبات اقتصادی غرب را به چالش کشیده است. منتقدان معتقدند که این سیاست‌ها، به‌جای حل مشکلات ساختاری، تنها به ایجاد شکاف‌های عمیق‌تر در روابط ترانس‌آتلانتیکی و جهانی دامن زده‌اند.

این بحران، که آمریکا موتور محرکه اصلی آن به‌شمار می‌رود، پیامدهای بلندمدتی برای نظم اقتصادی جهان به همراه داشته و کشورهای غربی را در برابر اهرم‌های متقابل آسیب‌پذیرتر کرده است. با تشدید رقابت‌های فناوری و منابع، اروپا مجبور به پرداخت هزینه‌های هنگفتی برای تنوع‌بخشی به زنجیره‌های تأمین خود شده، در حالی که سیاست‌های تهاجمی واشنگتن، همکاری‌های چندجانبه را تضعیف کرده و فضا را برای مانورهای استراتژیک رقبا فراهم آورده است. در این میان، رویکرد انتقادی به سیاست خارجی آمریکا تأکید می‌کند که اولویت‌دادن به منافع کوتاه‌مدت داخلی، نه‌تنها اعتماد جهانی به رهبری غرب را خدشه‌دار کرده، بلکه زمینه‌ساز یک جنگ سرد اقتصادی جدید شده که در آن، همه بازیگران به‌ویژه اقتصادهای وابسته به تجارت آزاد، متضرر خواهند شد. این روند، ضرورت بازنگری در الگوهای حاکم بر روابط بین‌الملل را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

در این میان، کنش‌های تهاجمی آمریکا نه‌تنها نتوانسته است جلوی پیشرفت رقبا را بگیرد، بلکه با ایجاد زنجیره‌ای از واکنش‌های دفاعی در سطح جهانی، به انزوای نسبی خود و تضعیف ائتلاف غربی انجامیده است. واشنگتن با ابزارسازی از تحریم‌ها، تعرفه‌ها و فشارهای یک‌جانبه، به‌جای تقویت رهبری خود، شرکای اروپایی را به سمت جست‌وجوی گزینه‌های مستقل سوق داده و همزمان، فضایی برای تقویت همگرایی چین با سایر قدرت‌های نوظهور فراهم آورده است. این رویکرد کوتاه‌بینانه، که ریشه در حفظ سلطه رو به افول دارد، بحران اعتماد در نظام بین‌الملل را تشدید کرده و نشان می‌دهد که سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا، بیش از آن‌که راه‌حل باشد، خود به یکی از ریشه‌های اصلی بی‌ثباتی اقتصادی و ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. در نهایت، این کنش‌ها ممکن است به تسریع گذار قدرت به سمت شرق و شکل‌گیری نظم چندقطبی جدید منجر شود که در آن، صدای اروپا و آمریکا دیگر تعیین‌کننده مطلق نباشد.

زلنسکی: همه مراقب باشند روسیه آماده انجام حمله‌ای بزرگ می‌شود

رئیس‌جمهور اوکراین می‌گوید، اطلاعاتی به دستش رسیده است که نشان می‌دهند، روسیه قصد انجام حمله‌ای بزرگ به کشورش را دارد.

چند روز پس از چند حمله موفق اوکراین به زیرساخت‌های انرژی روسیه- که بنابر اعلام فارن‌افرز و گاردین، مدیون رسیدن تجهیزات مدرن از سوی غرب است- ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین در پیامی ضمن اشاره به «آمادگی روسیه برای یک حمله احتمالی گسترده جدید»، از شهروندانش خواست تا به هشدارهای حمله هوائی «توجه ویژه» داشته باشند.

آن‌طور که ایرنا به نقل از تارنمای «اوکراین اینفو» نوشته است، زلنسکی در سخنرانی شبانه خود با بیان اینکه «روسیه پیش از این نیز در طول روز با بیش از ۲۰۰ پهپاد انتحاری به اوکراین حمله کرده است» اعلام کرد که حملات تازه‌ای در راه است. وی با اشاره به حملات هوائی در مناطق دونتسک، سومی، خارکیف و دنیپروپتروفسک و اعلام مجدد هشدار هوائی در کی‌یف، خطاب به مردم اوکراین گفت: «لطفا مراقب خود باشید...» او در عین حال خواستار مذاکره با پوتین شد آنجا که گفت: «پیشنهاد من برای یک دیدار رودررو با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه برای یک گفت‌وگوی مستقیم و صادقانه بین کی‌یف و مسکو، همچنان پابرجاست.» زلنسکی در پایان تصریح کرد: «مهم است که جنگ در نهایت با صلح به پایان برسد.»

گفتنی است ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه روز ۲۱ فوریه سال ۲۰۲۲ (دوم اسفند ۱۴۰۰) با انتقاد از بی‌توجهی غرب به نگرانی‌های امنیتی مسکو، استقلال جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک را در منطقه دونباس به رسمیت شناخت. سه روز پس از آن یعنی پنجشنبه پنجم اسفند سال ۱۴۰۰، پوتین عملیاتی نظامی که آن را «عملیات ویژه» خواند، علیه اوکراین آغاز کرد و به این ترتیب روابط پرتنش مسکو- کی‌یف به رویارویی نظامی تغییر وضعیت داد و این جنگ همچنان ادامه دارد. روسیه پیش از آغاز این جنگ هشدار داده بود که، نزدیک شدن ناتو به مرزهایش را تحمل نخواهد کرد!

حمله مجدد به زیرساخت‌های روسیه

دیروز اما الجزیره اعلام کرد، مسکو با انجام یک حمله پهپادی دیگر، این‌بار پالایشگاه شبه‌جزیره «کریمه» را هدف قرار داد. روسیه این را هم اعلام کرد که در جریان این حمله، ۴ نفر کشته شده‌اند. بنابر اعلام رسانه‌های غربی، انبار نفت و تاسیسات سوختی که روسیه از آنها برای تامین سوخت مورد نیاز نیروهایش استفاده می‌کند، در این حمله مورد هدف قرار گرفته‌اند. در این حمله که بامداد یکشنبه انجام گرفت، ۲۸ نفر نیز زخمی شده‌اند.

تظاهرات در دومین شهر بزرگ صربستان مردم خواستار برکناری رئیس‌جمهور شدند

هزاران تن از معترضان صربستانی در دومین شهر بزرگ این کشور با برپایی تظاهرات خواستار برکناری رئیس‌جمهور و برگزاری انتخابات زودهنگام شدند.

در صربستان مردم بار دیگر با برپایی تظاهرات خواستار برکناری رئیس‌جمهور کشور به‌دلیل سوءمدیریت شدند. این تظاهرات در شهر «نووی‌ساد» در شمال صربستان برگزار شد همان شهری که در سال ۲۰۲۴ به‌دلیل فروریختن سایه‌بان یک ایستگاه راه‌آهن دست‌کم ۱۶ تن کشته شدند. مردم صربستان بر این باور هستند که دلیل فرو ریختن این سایه‌بان سوءمدیریت دولت در پروژه‌های ساخت‌وساز و فساد در دولت بوده است. حادثه ایستگاه راه‌آهن موجی از اعتراضات ضددولتی را در سراسر صربستان که گاهاً به خشونت نیز کشیده شد به همراه داشته و حکمرانی ۱۳ساله الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور این کشور اروپایی و حزبش یعنی حزب ترقی‌خواه صربستان را به چالش کشید.

روز شنبه نیز هزاران معترض در شهر نووی‌ساد که دومین شهر بزرگ صربستان است با برپایی تجمع شعار «پیروزی» سر داده و ووچیچ و حزب حاکم را هو کردند. گروه کثیری نیز بنرهایی را حمل کرده و تی‌شرت‌هایی به تن داشتند که روی آنها شعار «دانشجویان پیروز می‌شوند» نوشته شده بود. فعالان جنبش اعتراضی ضددولتی صربستان که توسط دانشجویان رهبری می‌شود می‌گویند قصد دارند ووچیچ و حزب ترقی‌خواه صربستان را در انتخابات آتی پارلمانی و ریاست‌جمهوری به چالش بکشند. زمان برگزاری هر دو انتخابات برای سال ۲۰۲۷ تعیین شده، اما ووچیچ گفته ممکن است این دو انتخابات را زودتر از موعد برگزار کند. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، معترضان و گروه‌های حقوق بشری همچنین ووچیچ و مقامات دولتی را به تقلب در انتخابات، اعمال خشونت علیه مخالفان، خفقان و سرکوب آزادی رسانه‌ها، فساد و ارتباط با جرایم سازمان‌یافته متهم می‌کنند. ووچیچ و متحدانش این اتهامات را رد می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، صربستان نامزد پیوستن به اتحادیه اروپا است، اما اتحادیه اروپا شرط کرده است که بلگراد باید پیش از آن، حاکمیت قانون در داخل خود را بهبود بخشد؛ از جمله با فراهم‌آوردن شرایط برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، اصلاح نظام قضایی و ریشه‌کن کردن فساد و جرایم سازمان‌یافته. همچنین به گفته بروکسل این کشور باید سیاست‌های خارجی خود را با سیاست‌های اتحادیه همسو کند که شامل اعمال تحریم‌ها علیه روسیه به‌دلیل جنگ اوکراین می‌شود.

کیهان

روزنامه صبح

صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان (مؤسسه کیهان)

مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری

تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱

کیهان و خوانندگان ۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵

ارتباط با ما در پیام‌رسان‌های ایتا و بله:

@kayhannewspaper

صفحات وب: www.kayhan.ir

کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹

صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱

تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی